



Variety of Proactive Resoonse in Criminal Policy

Shahrdad Darabi¹

[Received: 2026/05/01 Accepted: 2026/07/06]

 [10.22034/aqcr.2026.2089747.1222](https://doi.org/10.22034/aqcr.2026.2089747.1222)

Abstract

Criminal policy custodians take action to maximize the positive or negative capacities of criminal policy models by eliminating the shortcomings of each model and, as appropriate, increasing or decreasing the authoritarianism or realistic libertarianism in it, to ensure the security of society by influencing the prevailing political context. The present study was conducted with a descriptive-analytical approach and in a library manner. The required information was collected from reliable scientific sources (books, articles, and websites) and analyzed using logic and reasoning. The research findings show that although the diversity of Proactive responses in criminal policy can be accompanied by maximum benefit from the libertarian/democratic model, this can also be realized by combining it with government models, the superiority of executive branch institutions in adopting defensive active measures that restrict the fundamental rights and freedoms of individuals. Therefore, proactive measures in today's criminal policy can be the simultaneous use of the characteristics of the populist model with an insistence on freedom-orientedness and the use of proactive measures on the one hand, and the benefit of the authoritarian model of criminal policy with an emphasis on security-orientedness and the use of defensive and Incapacitation proactive measures on the other. In the meantime, the inevitable combination of governmental and societal models simultaneously in designing crime prevention strategies and the diversity of governments' proactive measures is undeniable.

Keyword: Diversity of responses, Democratic, Authoritarian, Empowering measures, Incapacitation measures.

Citation: Darabi, S.H. (2026). Variety of Proactive Resoonse in Criminal Policy. *Applied criminology research*, 4(11), 1-22.
https://www.qacr.ir/article_737958.html?lang=e

تنوع پاسخ‌گذاری کنشی در سیاست جنایی

شهرداد دارابی^۱

[تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۲/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۴/۲۵]

doi 10.22034/qacr.2026.2089747.1222

چکیده

متولیان سیاست جنایی در راستای ارتقای حداکثری ظرفیت‌های ایجابی یا سلبی مدل‌های سیاست جنایی با مرتفع نمودن کاستی‌های هر مدل و حسب مورد افزایش یا کاهش قدرت‌سالاری یا آزادی‌مداری واقع‌بینانه در آن، نسبت به تأمین امنیت جامعه با تأثیر از بافت سیاسی حاکم بر آن اقدام می‌نمایند. پژوهش حاضر با رویکرد توصیفی-تحلیلی و به شیوه کتابخانه‌ای انجام شده است. اطلاعات مورد نیاز از منابع علمی معتبر (کتاب، مقالات و وبسایت‌ها) گردآوری و با استفاده از منطق و استدلال، تجزیه و تحلیل شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اگرچه تنوع پاسخ‌گذاری کنشی در سیاست جنایی می‌تواند با بهره‌مندی بیشینه‌ای از مدل مردم‌گرا/مردم‌سالار همراه باشد، اما این مهم می‌تواند ضمن ترکیب با مدل‌های دولتی، تفوق نهادهای قوهی مجریه در اتخاذ تدابیر کنشی تدافعی و تحدیدگر حقوق و آزادی‌های بنیادین افراد نیز عینیت یابد. لذا اقدامات کنشی در سیاست جنایی امروزی می‌تواند استفاده‌ی همزمان از شاخصه‌های مدل مردم‌گرا با اصرار بر آزادی‌مداری و به‌کارگیری تدابیر توان‌افزای کنشی از یک‌سو و بهره‌مندی از مدل اقتدارگرای سیاست جنایی با تأکید بر امنیت‌مداری و استفاده از اقدامات کنشی تدافعی و توان‌گیر از سوی دیگر باشد. در این میان، ترکیب اجتناب‌ناپذیر مدل‌های دولتی و جامعوی به‌صورت همزمان در طراحی راهبرد پیشگیری از جرم و تنوع تدابیر کنشی دولت‌ها انکارناشدنی است.

کلیدواژه‌ها: تنوع پاسخ‌گذاری، مردم‌گرا، اقتدارگرا، تدابیر توان‌افزا، تدابیر توان‌گیر.

استناددهی: دارابی، شهرداد. (۱۴۰۵). تنوع پاسخ‌گذاری کنشی در سیاست جنایی. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۴(۱۱)، ۲۲-۱.

https://www.qacr.ir/article_737958.html

۱. دانشیار گروه حقوق، واحد قم، دانشگاه آزاد اسلامی، قم، ایران. رایانامه: Shahraddar.darabi@iaui.ac.ir

مقدمه

پاسخ به بزهکاری شاخصه‌ای انسانی است که واجد ابعاد مختلف اجتماعی، سیاسی، حقوقی و... در عرصه‌ی ملی و بین‌المللی است؛ مولفه‌ای که منبعث از خوانش مختلف متولیان سیاست جنایی از انسان حق‌مدار یا فرد تکلیف‌مدار در جامعه است. بر این اساس، اتخاذ پاسخ‌های پیشینی و پسینی توسط هیئت حاکمه متضمن تدابیر پیشگیرانه یا سرکوبگرانه است که از ساختار سیاسی، فرهنگی، اقتصادی هر کشور نشأت یافته و تضییق یا توسعه حضور دولت و جامعه مدنی را با تأثیرپذیری از مدل ترکیبی و با تأکید بر هنجارمندی یا بهنجاری، در عرصه‌ی سیاست جنایی موجب می‌شود.

بر این اساس، تدابیر پیشگیرانه‌ی فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی (پیشگیری اجتماعی) و اقدام‌های وضعی سنتی - فنی - فناورانه (پیشگیری وضعی) به‌عنوان یکی از اجزای اصلی تشکیل‌دهنده راهبرد دولت برای تأمین امنیت (ابراهیمی، ۱۴۰۲، ص ۲۲۰) و حقوق کیفری به‌عنوان منبع اصلی راهبرد واکنشی و حقوق پیشگیری به‌مثابه منبع اصلی راهبرد کنشی در برابر بزهکاری محسوب می‌شود (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۴، ص ۲) که در طراحی شیوه‌های کنترل بزهکاری در مدل ترکیبی از نوسان منظم و مطالعه شده‌ای برخوردار است.

در سیاست جنایی کشورهای توسعه‌یافته، با بهره‌مندی از مطالعات تطبیقی، توسعه‌ی اصلاحات مبتنی بر مشارکت جامعه‌ی مدنی در عرصه‌های مختلف عدالت کیفری محقق شده است (جمشیدی، ۱۳۹۵، ص ۲۹). بر این ابتنا، سیاست‌های مرسوم نظام عدالت کیفری که با ابزارهای واکنشی، تنبیهی به‌دنبال مبارزه با جرم هستند، با موفقیت‌های حداقلی همراه است که نابسامانی‌های ناشی از غیر اثربخش بودن مجازات صرف بر اکثر واضعان سیاست جنایی آشکار شده است، حقیقتی که راهبرد کنشی پیشگیری از جرم را به‌عنوان ضرورت غیرقابل انکار و لازمه‌ی تدابیر پیش‌بینی شده در مدل سیاست جنایی ترکیبی برجسته می‌سازد؛ بدیهی است، این امر نافی پاسخ‌های واکنشی بهنگام، ضروری و مؤثر نخواهد بود و ترکیبی بودن عوامل بزهکاری موجب پاسخ‌های ترکیبی به آن در سیاست جنایی جامع و فراگیر خواهد بود. نقش پاسخ‌های اتخاذی و رویه‌های عملی در حوزه کنشی و واکنشی است که منطبق با ارزش‌ها و هنجارهای جامعه نسبت به ترسیم گونه‌های پیشگیری یا پساگیری از جرم، سیاست جنایی کشورها را ترسیم می‌نماید.

روشن است، پیشگیری واکنشی (کیفری) با مداخله‌ی قهرآمیز پس از وقوع جرم آثار پیشگیری جرم‌شناختی را نداشته و در منصرف ساختن توده‌ی بالقوه‌ی مجرمان که قصد ارتکاب جرم را دارند، نقش حداقلی داشته است.





مؤلفه‌ای که به عنوان عامل اصلی و بازدارنده همچنان ابقا می‌گردد، اما برخلاف مدل‌هایی همچون اقتدارگرا که از ابزارگرایی کیفری بهره‌مند می‌شوند، مدل سیاست جنایی ترکیبی با تورم‌زدایی از قوانین کیفری و با تأکید بر علت‌شناسی بزهکاری و تأثیرپذیری از نظریه‌های کارآمد جرم‌شناسی، مطالعه‌ی انگیزه‌های جدید، موقعیت‌ها، شیوه‌های نوین و گونه‌های مختلف جرائم و تبعات ناشی از جرم را در بستر زمان و مکان کنونی نصب‌العین خویش قرار می‌دهد و جهت استفاده حداکثری از ظرفیت‌های موجود نسبت به سیاست‌گذاری و طراحی تدابیر توان‌افزا یا توان‌گیر تمام مساعی خویش را به‌کار می‌بندد. بر این اساس، اگرچه مدل سیاست جنایی ترکیبی، متضمن آزادی‌مداری و قدرت محوری توأمان است، اما این به معنای نادیده گرفتن استفاده از تدابیری که متضمن بهره‌مندی از دستاوردهای سیاست جنایی علمی می‌باشد، نبوده و تقویت راهبردهای سنجیده و سودمند اولی است.

مطالعه‌ی الگوهای پیشگیری از جرم در مدل سیاست جنایی ترکیبی، موضوع نوشتار حاضر است. پرسش اساسی آن است که منظور از تنوع پاسخ‌گذاری کنشی در سیاست جنایی چیست؟ برای پاسخ به این پرسش، در گفتار اول پاسخ‌گذاری کنشی مردم‌گرا و در گفتار دوم پاسخ‌گذاری کنشی اقتدارگرا تبیین خواهد شد.

۱. پاسخ‌گذاری کنشی مردم‌گرا

باید اذعان داشت که پیشگیری واکنشی (کیفری) منبعث از جرم‌انگاری و کیفرگذاری است و از منظر جرم‌شناسی، فایده‌ای حداقلی دارد و معمولاً نقش مستقیمی در کاهش بزهکاری ندارد، اگرچه سابقه‌ی تاریخی کهنی در شیوه‌های نه‌چندان موفق کنترل جرم توسط دولت‌ها داشته است، اما در مدل سیاست جنایی ترکیبی نیز همچنان به‌عنوان الگویی که شامل تهدید به مجازات است، تصویرسازی احتمال مجازات شدن در اذهان مجرمین بالقوه و پیشگیری از تکرار جرم را تداعی می‌سازد. مؤلفه‌ای که به‌عنوان عامل اصلی و بازدارنده همچنان ابقا می‌گردد، اما برخلاف مدل‌هایی همچون اقتدارگرا که از ابزارگرایی کیفری بهره‌مند می‌شوند، مدل سیاست جنایی ترکیبی با تورم‌زدایی از قوانین کیفری و با تأکید بر علت‌شناسی بزهکاری و تأثیرپذیری از نظریه‌های کارآمد جرم‌شناسی، مطالعه‌ی انگیزه‌های جدید، موقعیت‌ها، شیوه‌های نوین و گونه‌های مختلف جرائم و تبعات ناشی از جرم را در بستر زمان و مکان کنونی نصب‌العین خویش قرار می‌دهد و جهت استفاده حداکثری از ظرفیت‌های موجود نسبت به سیاست‌گذاری و طراحی تدابیر توان‌افزا یا توان‌گیر تمام مساعی خویش را به‌کار می‌بندد. بر این اساس، اگرچه مدل سیاست جنایی ترکیبی، متضمن آزادی‌مداری و قدرت محوری توأمان است، اما این به



معنای نادیده گرفتن استفاده از تدابیری که متضمن بهره‌مندی از دستاوردهای سیاست جنایی علمی است، نبوده و تقویت راهبردهای سنجیده و سودمند اولی است.

بی‌شک، ظهور قوانین اساسی کشورها که منجر به تحدید قدرت سیاسی و برچیده شدن یا کم‌رنگ شدن نظام‌های سیاسی خودکامه شد، نقطه‌ی عطف مهمی در نهادینه کردن و به رسمیت شناختن حقوق و امتیازات شهروندی است؛ در این راستا اعلامیه‌های حقوقی و کنوانسیون‌های بین‌المللی، تضمین و تأمین آزادی‌های شهروندان را حق آنان دانسته و دولت‌ها را مکلف به مرعی داشتن آن رهنمون ساخته است. با این حال باید اذعان داشت برقراری نظم و تأمین امنیت، همواره بر یک مدار بدون تنش توسط دولت‌ها محقق نشده است و گاهی اوقات حاکمان با طرح مفاهیمی همچون امنیت ملی، اقتدار و منافع عمومی، رعایت برخی از عناصر حقوق شهروندی و حریم خصوصی افراد جامعه را به محاق برده‌اند.

در قلمرو سیاست جنایی ایران توجه بنیادی به پیشگیری از جرم علاوه بر قانون اساسی در شمار دیگری از هنجارهای حقوقی بنیادین صورت پذیرفته است. در پهنه‌ی قوانین بنیادی این توجه به شکل‌های مختلف تبلور پیدا کرده است.

یکم، در سطح قوانین دارای بایدهای پایدار است. قانون‌گذار در سال ۱۳۹۵ برای توجه پیوسته به تعدادی از هنجارها در قوانین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی به تصویب قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور مبادرت ورزیده است. در این میان، پیشگیری از جرم از جمله مهم‌ترین توجه‌های مقنن است که در بند ب ماده ۳۸ تبلور یافته است.

دوم، در سطح قوانین دارای بایدهای مدت‌دار است. عرصه‌ی این توجه همانا قوانین برنامه‌های پنج‌ساله توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی ۱۳۷۹ می‌باشد. برای نمونه، می‌توان از قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سخن راند که در بند یک ماده ۳۸ از رهگذر «پیشگیری از بروز آسیب‌های اجتماعی» به مهار بزهکاری و کاهش شمار ارتکاب آن توجه کرده است.

سوم، در سطح سیاست‌های کلی نظام است. در قلمرو این سیاست‌ها به دو صورت به پیشگیری از جرم توجه شده است. یک شکل توجه ناظر به پیشگیری فراگیر است. در شماری از این سیاست‌ها مانند سیاست‌های کلی شهرسازی ۱۳۸۹ که برای نمونه به «جلوگیری از گسترش حاشیه‌نشینی در شهرها و ساماندهی بافت‌های حاشیه‌ای و نامناسب موجود» اشاره کرده است و یا سیاست‌های کلی ایجاد تحول در نظام آموزش و پرورش سال ۱۳۹۲ که قانون‌گرا کردن دانش‌آموزان و یا پیشگیری از آسیب‌های اجتماعی در میان این دسته را پیش‌بینی نموده است. اما شکل دیگر آن توجه به پیشگیری ویژه است. این توجه در شماری از



سیاست‌ها مانند سیاست‌های کلی نظام اداری ۱۳۸۹ تبلور یافته است. به موجب بند ۱۳ شفافیت بند ۲۱ «نهاده‌سازی، فرهنگ خودکنترلی» و بند ۲۴ «ارتقای سلامت نظام اداری و رشد ارزش‌های اخلاقی در آن از طریق اصلاح فرایندهای قانونی و اداری بهره‌گیری از امکانات فرهنگی و به‌کارگیری نظام مؤثر پیشگیری و برخورد با تخلفات» در شمار سیاست‌های ناظر به پیشگیری از فساد اداری مالی است (نیازپور، ۱۴۰۰، ص ۴۰). آشکار است که در عرصه سیاست جنایی ایران پیشگیری از جرم به شکل بنیادی در سطح قانون اساسی، قوانین مربوط به برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سیاست‌های کلی مورد توجه قرار گرفته و بر این اساس دارای جایگاه ویژه‌ای است.

۱-۱. پاسخ‌گذاری کنشیِ عادلانه

دیدگاه حاکم در پاسخ‌گذاری کنشی آزادی‌مدار، برگرفته از دستاوردهای جرم‌شناسی واکنش اجتماعی^۱ است که مجرم را محصول نارسایی‌ها و محرومیت‌های فردی و اجتماعی می‌داند و قصور یا تقصیر دولتمردان را در پیدایش بزهکاری مؤثر می‌انگارد. با این فرض مسئولیت دولت‌ها افزایش و نقش یا مسئولیت بزهکار در ارتکاب جرم کاهش می‌یابد، در نتیجه تمرکز بر شناسایی و حذف عوامل ریشه‌ای جرم در دستور کار قرار می‌گیرد. تمرکز اصلی در این دیدگاه روی افراد در معرض خطر و گروه‌هایی است که از محرومیت یا نارسایی‌های اجتماعی- اقتصادی برخوردارند؛ بعد از شناسایی، تدابیر لازم جهت اصلاح وضعیت افراد فراهم می‌شود. این امر ممکن است ما را با کمبودهای شخصی موجود در فرد که منجر به مواردی مثل اعتیاد به مواد مخدر شده است و یا تلاش برای معرفی برنامه‌هایی که در مرتفع ساختن مشکلات مردم جامعه راهگشا واقع شود، مواجه سازد. این مدل وامدار نظریه‌هایی همچون تفاسیر زیست‌شناختی، روان‌شناختی یا جامعه‌شناختی با محور قرار دادن فرد است؛ مانند نظریه فشار که با تأکید بر فاصله‌ی میان اهداف فرهنگی و وسایل مشروع قانونی جرم را تبیین می‌نماید یا نظریه برچسب‌زنی، جایی که خودپنداری مثبت یا منفی از القائات پیرامونی با ساختار شخصیتی و روانی ملازمیت پیدا می‌کند و جرم‌شناسی واقع‌گرای چپ که تأکید بر رویکردهای مبتنی بر آثار منفی محرومیت نسبی و شیوه‌های ناکارآمد حفظ نظم را در پیدایش بزهکاری مؤثر می‌داند. بر این اساس تفاوت بین بزهکار و ناکرده بزه در شرایط جامعه‌ی، روانی و زیستی است که بر آنها عارض می‌شود. ارتقای فرصت‌ها، تأمین وسایل و بهبود

۱. جرم‌شناسی واکنش اجتماعی به مطالعه‌ی تعامل‌ها یا میان‌کنش‌های موجود میان فرد و جامعه می‌پردازد و معتقد است که نقش جامعه در رفتار افراد، آثار تعیین‌کننده‌ای دارد. در عمل، فرایندهای گزینش و غربال پلیسی و قضایی به هنگام تعیین و اجرای واکنش اجتماعی (علیه مجرم) به چشم می‌خورد. این فرایندها موجب پدید آمدن برچسب‌زنی نسبت به فرد می‌شود بعضی گروه‌ها و افراد نسبت به دیگران آسان‌تر برچسب می‌خورند (نجفی ابرندآبادی و هاشم بیگی، ۱۴۰۱، ص ۱۷۵).



استطاعت افراد جامعه، با مداخله‌ی زود هنگام و مساعدت شایسته جهت برآورده نمودن حوائج ضروری ایشان از اهمیت بسزایی برخوردار است (وایت و هینز، ۱۴۰۴، ص ۱۴۳). بدین ترتیب یکی از موضوعاتی که در پاسخ‌گذاری کنشی آزادی‌مدار بسیار مورد توجه بوده است، محدود کردن دخالت قدرت عمومی و تعریف حوزه‌ای از زندگی است که می‌بایست سامان یافتن آن فارغ از دخالت دولت، به افراد واگذار شود.

این مهم در راهبرد متولیان سیاست جنایی در خصوص طراحی برنامه‌ها و اقدامات پیشگیرانه به‌عنوان یک اولویت محسوب می‌شود؛ بر این اساس استفاده‌ی حداکثری از ظرفیت‌های پیشگیری از جرم و تمسک حداقلی به حقوق جزا به‌عنوان راهبرد اصلی این نظام‌ها مد نظر بوده است و تلاش مسئولین در راستای بهره‌گیری بیشینه‌ای از گونه‌های پیشگیری از جرم به نحوی است که اتخاذ تدابیر کنشی با رویکرد اجتماعی که سعی در مرتفع کردن ریشه‌های موجد جرم و جلوگیری از انعقاد تفکر مجرمانه در اذهان افراد از طریق توسعه و بهبود همه‌جانبه‌ی شاخصه‌های رفاهی در زندگی مردم، آموزش و ارتقای سطح فرهنگ جامعه دارد، تغلب یافته و به‌نوعی مسئولیت دولت‌ها را در رعایت شاخصه‌های حقوق بشری و مراعات حقوق پیشگیری برجسته می‌نماید (دارابی، ۱۴۰۳، ص ۱۰۳). در کشورهایی که راهبرد مردم‌گرایی سهم بیشتری در شکل‌گیری سیاست جنایی دارد، حفظ حقوق و آزادی‌های بنیادین جلوه‌ی عینی به خود گرفته است، استراتژی پیشگیری بر راهبرد سرکوبی مرجع است و دولت تلاش می‌کند تا با جلوگیری از برون‌ریز تفکر مجرمانه به عرصه‌ی عمل یا برهم زدن معادله‌ی جرم در حوزه‌ی پیشگیری سرمایه‌گذاری کرده و از این طریق بار نظام عدالت کیفری را کاهش دهد.

بر این اساس هرچه قوانین موجود در جامعه جلوه‌ی بیشتری از خواسته‌های مشروع شهروندان باشد و قانون‌گذار نظر اکثریت ایشان را در تدوین و تصویب قوانین لحاظ نموده باشد، میزان نظم‌گریزی و قانون‌شکنی کمتر است؛ این در حالی است که در پاسخ‌گذاری کنشی آزادی‌مدار رسانه‌ها، مطبوعات و سازمان‌های مردم‌نهاد غیردولتی از آزادی نسبی مطلوبی برخوردار بوده و در انعکاس آرای افراد جامعه قدرت عمل بیشتری داشته و متولیان حاکمیتی نیز از این امر استقبال می‌نمایند. رعایت اصل حاکمیت قانون به‌عنوان زیربنای ایجاد یک نظام حقوقی سامان‌یافته و شرطی اساسی در تحقق حقوق بشر محسوب می‌شود.

از این روی قانون‌مداری یکی از منزلت‌های ثابت حقوقی است که در قلمرو رشته‌های مختلف حقوق، مورد شناسایی قرار گرفته و تضمین‌کننده‌ی حقوق سیاسی و اجتماعی شهروندان محسوب می‌شود. از آنجا که هدف غایی مقنن از وضع قوانین تنظیم و تنسيق روابط افراد با یکدیگر و حکومت است، نحوه‌ی شکل‌گیری آن نیز باید با توجه به بسترهای موجود



جامعه صورت پذیرفته و قانون گذار با در نظر گرفتن تمامی اوضاع و احوال و نیازهای واقعی جامعه به خلق آن دست یازد.

در این میان، جایگاه حقوق پیشگیری^۱ از جرم در پهنه سیاست جنایی به عنوان رشته تخصصی مستقل، در بردارنده سلسله ای از مقررات است که به تعیین نهادهای متولی، حدود و ثغور، ضوابط حاکم و ضمانت اجرای لازم در تخطی از مقررات حاکم بر راهبرد پیشگیری از جرم می پردازد. این مهم مستلزم کیفی سازی و شفافیت قوانین متضمن اقدام های پیشگیری از جرم در عرصه علوم جنایی حقوقی است. در این پژوهش سعی شده است ضمن بررسی این اقدام ها به عنوان منبع تدابیر کنشی در سیاست جنایی، چالش های فرارو و راهکارهای مناسب نیز تبیین شود؛ بنابراین حاکمیت قانون به عنوان یکی از اقتضائات پیشگیری از جرم در کشورهای تابع مدل دموکراتیک سیاست جنایی، موجب می شود؛ دولت خود را تحت نظارت قانون قرار داده و طرح ها و تدابیر پیشگیرانه ای خود را با قوانینی که از جانب پارلمان تجویز شده اند، منطبق ساخته و از اقدام های خودسرانه یا اعمال محدودیت های غیرقانونی اجتناب ورزد.

بدین سان، هدف پیشگیری نمی تواند کاربرد هر وسیله، فن یا اقدام باشد. به ویژه نباید کنارگذاری اصول عمومی حقوق را توجیه کرده و بهانه ای برای توسل به مقررات فوق العاده و روش های خاص فراقانونی شود. همان گونه که در مقوله ای عدالت کیفری بر اجرای اصول حقوق بشر تأکید شده و در آن سخن از دادرسی عادلانه به میان می آید، پیشگیری از بزهکاری نیز با رعایت و یا تحقق بخشیدن به همین اصول حقوق بشر موجب پیشگیری عادلانه از جرم خواهد شد. بدین سان نوع نظام سیاسی، نظام اقتصادی و نظام فرهنگی حاکم بر هر جامعه رفتار و کردار خاصی را ارتقا داده و ترویج می کند؛ نظام های سیاسی قانون مدار که خود را مقید به رعایت حقوق اساسی و اولیه ی مردم در زمینه های مدنی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی می دانند و نظام های سیاسی فردسالار که همه ی امکانات موجود را برای استمرار بقای فرد حاکم و ایدئولوژی مورد قبول او به خدمت گرفته و نیازها و خواسته ها و حقوق مردم را در پرتو اندیشه های آن فرد حاکم معنا، تعریف و تفسیر می کنند (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۶، ص ۵۷۱). این شاخصه ها در قالب معیارهایی همچون رعایت حقوق بشر، حاکمیت قانون و فرهنگ متعارف، استفاده از رویکردهای افتراقی با امعان نظر به نوع جرایم و مجرمان، توسعه ی امنیت پایدار و ضرورت بهره مندی از رویکردهای دانش بنیان پدیدار می شود (شاو، ۱۳۹۴، ص ۱۸۴). به عبارت دیگر در برنامه های پیشگیرانه ی آزادی مدار سعی بر افزایش متعارف مسئولیت

دولت‌ها برای طراحی اقداماتی است که متضمن پیشگیری اجتماعی از جرم بوده و جرم‌انگاری در این جوامع مستدل، موجه و معطوف به آنچه که ضروری است، می‌باشد.

۲-۱. پاسخ‌گذاری کنشی توان‌افزا

از میان انواع رویکردهای پیشگیری از جرم، گونه‌ی پیشگیری اجتماعی که از طریق توسعه‌ی شاخصه‌های اجتماعی، ارتقای رفاه و بهبود کیفیت زندگی موجب افزایش توان زندگی بهتر و جلوگیری از انعقاد تفکر مجرمانه در اذهان یکایک افراد جامعه می‌شود از اهمیت بسزایی برخوردار است.

روشن است، تنظیم، تدوین و تدارک پاسخ‌گذاری، پاسخ‌گزینی و پاسخ‌دهی در سیاست جنایی توسط کنش‌گران دولتی و غیردولتی صورت می‌پذیرد (ابراهیمی، ۱۴۰۳، ص ۷). پیش‌بینی تدابیر فرهنگی- اجتماعی جایگاه ویژه‌ای در میان پژوهش‌های جرم‌شناختی و سیاست‌گذاری‌های جنایی یافته است. ضرورت بررسی شرایط اجتماعی جرم‌زا، وضعیت‌های ماقبل جنایی، تشریک مساعی جامعه و ارکان مختلف آن منجر به ارتباط گسترده و تعمیق یافته میان سیاست جنایی جوامع مردم‌سالار و سیاست‌های اجتماعی از طریق اقدامات و تدابیر اجتماعی معطوف به جامعه‌پذیر نمودن افراد، ارتقای امنیت انسانی و عدالت اجتماعی شده است.

از این‌رو، حفظ آزادی‌های مشروع افراد جامعه که به‌عنوان راهبرد اصلی مدل دموکراتیک سیاست جنایی تلقی می‌شود، با بهره‌گیری از شیوه‌های اقناعی مؤثر در پیشگیری از جرم مانند خانواده، مدرسه، دانشگاه، مسجد^۱ و ... تحقق می‌یابد؛ آن‌چنان که آموزش و درونی‌سازی هنجارها، سرمایه‌گذاری در زمینه حل مشکلات اجتماعی و ارتقای کیفیت سطح زندگی و تأکید بر شیوه‌های غیررسمی کنترل جرم به‌عنوان مهم‌ترین شاخصه‌هایی که پیشگیری از جرم را خارج از ظرفیت سنتی نظام عدالت کیفری دنبال کرده و راهبرد ملی و سیاست پایدار دولت‌های موصوف محسوب می‌شود، در اولویت قرار می‌گیرد. این امر ملازمت ویژه‌ای با تقویت استفاده از گونه‌ی اجتماعی پیشگیری از جرم دارد. تأکید بر اهمیت خانواده به‌عنوان واحد بنیادی جامعه (اصل دهم)، حمایت از مادران در نگهداری و تربیت فرزندان (اصل بیست و یکم) فراهم کردن فرصت‌های شغلی (اصل بیست و هشتم)، تأکید بر فراهم ساختن وسایل آموزش و پرورش رایگان تا پایان دوره‌ی متوسطه (اصل سی‌ام) تأمین مسکن متناسب با نیاز

۱. ترویج فرهنگ خدامحوری، تقوا و پرهیزگاری یکی از مهم‌ترین و مؤثرترین شیوه‌های حل معضل بزهکاری است (میرخلیلی، ۱۴۰۳، ص ۲۰۵).





افراد (اصل سی و یکم) و تنظیم اقتصاد ایران به گونه‌ای که نیازهای اساسی انسان در جریان رشد تأمین شود (اصل چهل و سوم) و... مبنای اساسی سازی حقوق پیشگیری^۱ است. بدین‌سان، در پهنه حقوق ایران، خبرگان قانون اساسی در قالب اصول متعدد و از رهگذر پیش‌بینی شماری از اصول قانون اساسی به پیشگیری از جرم، جنبه اساسی - فراقتنینی به آن‌ها داده شده است تا اقدام در چارچوب سیاست‌های پیشگیرانه‌ی پیش‌بینی شده، بر عهده همه نهادها قرار گیرد و حق‌ها و آزادی‌های بنیادین شهروندان تضمین شده و بر این اساس، این ارزش‌ها و هنجارها به یک دستور و هنجار برین درمی‌آیند (نیازپور، ۱۳۹۳، ص ۹۱). در این جوامع جرم‌شناسی واقع‌گرا به تبیین این مهم پرداخته است که طرح‌های پیشگیرانه به‌خودی‌خود، کاری را انجام نمی‌دهند و مردم به همراه ظرفیت‌های ساختاری موجود به‌عنوان ارکان اساسی این مهم تلقی می‌شوند، همچنان که توجه زیادی به اهمیت حکمرانی و استمرار راهبردهای پیشگیرانه بدون در نظر گرفتن عمر سیاسی دولت‌های اجرایی شده است (Velasquez, 2008, p.15). بر این اساس استفاده از ظرفیت عظیم مردم و نهادهای مدنی، مشارکت و تجهیز ایشان در راستای پیشگیری مؤثر از بزهکاری و نهادینه شدن سیاست جنایی مشارکتی از شاخصه‌های پیشگیری عادلانه از جرم و عینیت یافتن دموکراسی در عمل است. این در حالی است که در نظام‌های سیاسی اقتدارگرای فراگیر، ماهیت استبدادی این‌گونه دولت‌ها مانع از شکل‌گیری واقعی جامعه‌ی مدنی^۲ شده و نهادهای مدنی نقش مؤثری - جز به‌صورت فرمایشی - در حوزه‌ی پیشگیری از جرم نخواهند داشت.

در پاسخ‌گذاری کنشی توان‌افزا محقق ساختن موازین حداقلی عدالت اجتماعی توسط دولت‌ها از طریق تغییرات اجتماعی اقتصادی فرهنگی، بر پایه‌ی کرامت انسانی بوده است. اندیشمندان و متولیان مربوطه، بیشترین امکان پیشگیری را در ایجاد تغییر در مرتکبان جرم و بزهکاران بالقوه از طریق رفع محرومیت‌ها، اصلاح شخصیت و آموزش^۳ ایشان می‌دانند. سازمان ملل متحد نیز همواره تأکید دارد که فقدان سیاست‌های اجتماعی پیشگیری و ناکارآمدی نظام عدالت کیفری از یک‌سو، بزهکاری، خشونت و تروریسم را تسهیل و از سوی دیگر مانع توسعه‌ی اقتصادی و اجتماعی می‌شود. لذا رجحان راهبرد پیشگیری بر راهبرد سرکوبی با بهره‌مندی از درونی سازی هنجارها، سرمایه‌گذاری در زمینه‌ی تأمین اجتماعی و

1. Prevention Rights

۲. افراد جامعه نسبت به نهادهای مردمی دافعه ندارند، به‌راحتی با آنها ارتباط برقرار می‌کنند، این نهادها را بیگانه نمی‌دانند و در برنامه‌های داوطلبانه‌ی این نهادها مشارکت می‌نمایند، در نتیجه احتمال تأثیرپذیری از این برنامه‌ها افزایش می‌یابد (شیری، ۱۳۹۷، ص ۱۱۳).

۳. آموزش یکی از ارکان اساسی برای آماده‌سازی جوانان در مقابله با چالش‌های اجتماعی و افزایش تاب‌آوری جوامع در برابر جرم است (ابراهیمی، ۱۴۰۴، ص ۱۰).



تأکید بر شیوه‌های غیررسمی کنترل جرم^۱ است؛ زیرا شهروندان در این راهبرد بهتر حمایت می‌شوند و دولت نیز کمتر به ابزار قهرآمیز متوسل می‌شود.

براین ابتنّا، اگرچه امنیت در جامعه و صیانت دولت‌ها از آن ضامن بقای آزادی‌های فردی افراد جامعه است، اما پاسداشت مولفه‌های حقوق بشری، از یک‌سو و اتخاذ پاسخ مناسب در برابر پدیده بزهکاری، از سوی دیگر، گاهی تقابل این دو را به ذهن متبادر می‌سازد، آن‌چنان‌که سمت‌وسوی مدل‌های قالب سیاست جنایی کشورها با ایده‌ی حفظ امنیت و مصالح عمومی تحت‌الشعاع قرار می‌گیرد. لذا، اذعان تصمیم‌گیران سیاست جنایی بر آن است که تنوع و پیچیدگی جرائم، موجب ضرورت شناخت علمی وضعیت جامعه، بررسی شخصیت مجرمین و وضعیت مُشرف بر زمان ارتکاب جرم شده است؛ بر این اساس، تدوین راهبردهای پیشگیرانه‌ی فرهنگی-اجتماعی-اخلاقی در کنار اجرا و ارزیابی نتایج آنها، متولیان سیاست جنایی را در موفقیت حداکثری کاهش آمار جرایم، به نحو مؤثری یاری می‌بخشد.

تحقیقات مبین آن است که شهروندان عموماً حامی پیشگیری از جرم هستند؛ بدین منظور مایل به هرگونه کمک و حمایت از برنامه‌های پیشگیری اجتماعی در قیاس با سایر پاسخ‌ها هستند و بدیل‌هایی همچون اقدامات بازسازی‌گری و درمان مجرمین با پیشگیری زودرس در دوران کودکی و نوجوانی کودکان در معرض خطر را حمایت می‌کنند (Welsh & Farrington, 2012, p. 24). به نظر می‌رسد تشریح و واقع‌نمایی تأثیرات مطلوبی که گونه‌های پیشگیرانه علمی فرهنگی-اجتماعی می‌توانند در جامعه ایجاد کنند، در اقتناع سیاست‌مداران، جهت ارتقای امنیت جامعه از اهمیت خاصی برخوردار است تدابیری که به‌منظور ارتقای آموزش و پرورش ناکارآمد، کاهش بیکاری، فقر و آسیب‌های اجتماعی مشابه و حذف علل بنیادین رفتارهای منحرفانه مورد توجه قرار می‌گیرد (Lab, 2014, p.358). با این همه توسعه‌ی نگاه تدافعی در خصوص اتخاذ پاسخ‌های کنشی و تأسی از رویکردی که انتخاب‌ها و تصمیم‌گیری‌های افراد را محصول اراده‌ی آزاد بزهکاران می‌داند، می‌تواند حسب شرایط به اولویت تدابیر تحدیدگر و تهدیدگر حقوق و آزادی‌های بنیادین افراد تبدیل شود.

۲. پاسخ‌گذاری کنشی اقتدارگرا

روشن است، هدف پیشگیری نمی‌تواند کاربرد هر وسیله، فن یا اقدام در سیاست جنایی باشد. بنابراین، اگرچه در فرایند پاسخ‌گذاری کنشی در سیاست جنایی شاهد تجمیع و ترکیب گونه‌های مختلف پیشگیری از جرم، حسب مورد هستیم، اما نمی‌توان کنارگذاری اصول

۱. دین مبین اسلام، علاوه بر کنترل رسمی در قالب قوانین و مقررات کیفری، سطح وسیعی از کنترل‌کننده‌های غیررسمی و به‌ویژه کنترل‌کننده‌های درونی و معادباوری را برای مقابله با جرم ضروری می‌بیند (حاجی ده‌آبادی، ۱۴۰۳، ص ۱۶۷).



عمومی حقوق را توجیه کرده و بهانه‌ای برای توسل به مقررات فوق‌العاده و روش‌های خاص فراقانونی شد. به عبارت دیگر، اگرچه تنوع و تکثر بافت‌های سیاسی و نوع نگرش حاکمیت ملی در خصوص پدیده‌ی بزهکاری، پاسخ‌های گوناگونی را در مرحله قبل و بعد از ارتکاب جرم پیش روی دولت‌ها قرار می‌دهد و نوسان گونه‌های پیشگیری در میان راهبردهای توان‌افزا و توان‌گیر عینیت می‌یابد، اما تضييع حقوق بنیادین افراد به بهانه‌ی حفظ امنیت سیاسی در گستره‌ی وسیع توجیه نمی‌شود.

بدون تردید شکست برخی از طرح‌ها و تدابیر پیشگیرانه می‌تواند ناشی از عدم درک صحیح از مفهوم پیشگیری و یا کاستی‌های متعدد در اجرا و ارزیابی بوده و به کارگیری متخصصین امر در حوزه‌ی پیشگیری از جرم و بهره‌مندی از یافته‌های محققین در این خصوص به همراه ایجاد احساس نیاز در شهروندان از اهمیت حیاتی در این عرصه برخوردار است؛ اتکای بیش‌ازحد به یکی از گونه‌های پیشگیری نیز می‌تواند برون داد برنامه‌های پیشگیری از جرم را با کاهش معناداری مواجه سازد. امروزه در بسیاری از کشورهای تابع مدل مردم‌سالار سیاست جنایی رویکردی تلفیقی و جدید اتخاذ شده است؛ برای مثال در کشور فرانسه با مدل پیشنهادی بُن مَزُن بر پیشگیری اجتماعی و جذب و ادغام نوجوانان و جوانان حاشیه‌ای تأکید می‌شد، در حالی‌که در کشور انگلستان رویکرد وضعی و مدیریت و تغییر محیط فیزیکی به عنوان ابزار کاهش فرصت مجرمانه اولویت یافت و جمع این دو راهبرد در کشوری مثل هلند به یک مدل ترکیبی میان نیروی انسانی و فناوری منجر گردید. بر اساس الگوی معمول پزشکی که به سطوح سه‌گانه‌ی پیشگیری اولیه، ثانویه و ثالث معروف است تدابیر و اقدامات پیشگیرانه‌ای در مراحل سه‌گانه با محوریت بزهکار، بزه‌دیده و موقعیت طراحی و همزمان مورد استفاده قرار می‌گیرد (VanDijk et al., 2009, p. 135). در رهگذر این تغییرات رویکردهای متفاوتی نسبت به تغلیب گونه‌های پیشگیری موقعیت‌مدار محقق شده است.

پیشگیری موقعیت‌مدار یا وضعی که به نوعی پاسخ‌گذاری کنشی اقتدارگرا محسوب می‌شود، با در نظر گرفتن این واقعیت که به‌رغم به‌کار بستن تدابیر مختلف پیشگیری اجتماعی بازهم شاهد بزهکاری و بزه‌دیدگی هستیم مورد استقبال اکثر کشورها قرار گرفته است.

این نوع از پیشگیری به دنبال ایجاد مانع در مسیر جرم است. این امر همان وجه ممیزه پیشگیری موقعیت‌مدار از پیشگیری فردمدار یا اجتماعی است که موجب انسانی‌تر بودن پیشگیری اجتماعی از پیشگیری موقعیت‌مدار می‌شود. با این حال امروزه جهان شاهد گرایش متولیان امر به سمت نتیجه‌گرایی و زودبازده بودن برنامه‌هاست و خیزش فزاینده‌ی جرایم متنوع در کنار پوشش رسانه‌ای این مهم، تحدید فرصت‌ها را برای ایشان به ارمغان آورده است. در بسیاری از کشورهای دموکراتیک، رسانه‌های جمعی می‌توانند با انعکاس گزینشی اخبار



جنایی و به تصویر کشیدن موقعیت‌های ماقبل جنایی بزه‌کاران و بزه‌دیدگان و سهولت ارتکاب جرم، ناکارآمدی نهادهای کنترل بزهکاری را در اذهان مخاطبین نهادهینه ساخته و افکار عمومی را به سمت اتخاذ راهبرد کنترل حداکثری، تحدید حقوق و آزادی‌های فردی و جامعه‌ی سراسرین متمایل سازند. سیطره رسانه‌های جمعی به‌ویژه در کشورهای غربی موجب شده است تا بازتاب وقایع مجرمانه، منجر به افزایش ترس از جرم، ترس از بزه‌دیدگی و احساس ناامنی در میان افراد جامعه شود؛ شاخصه‌ای که شرایط را برای بهره‌مندی از گونه‌های تدافعی پیشگیری از جرم با تفوق راهبرد پیشگیرانه موقعیت‌مدار جهت کمیت‌گرایی و اقباع افکار عمومی محقق سازد.

از آنجا که دامنه و جغرافیای جرایم تروریستی در آغاز سده بیست و یکم به‌ویژه پس از تک‌تروریستی به برج‌های مرکز تجارت جهانی نیویورک به وسعت جهان گسترش یافته است، می‌توان از جهانی شدن تروریسم و در نتیجه جهانی‌شدن سیاست جنایی در برابر بزهکاری تروریستی در پرتو اسناد سازمان ملل متحد سخن به میان آورد (نجفی ابرنآبادی، ۱۳۹۶، ص ۱۶). آمار فزاینده‌ی هدف قرار گرفتن کشورهای متعدد مبین آن است که تهدیدات مرتکبین جرایم تروریستی منحصر به کشور خاصی نیست و علیه اکثر جوامع دنیا صورت پذیرفته است. در واقع از آنجا که جرایم تروریستی بدون مرز هستند و هدف اصلی تروریست‌ها ایجاد وحشت در جامعه و ناکارآمد جلوه دادن حکومت‌هاست، بزه‌دیدگان آن‌ها برای مرتکبان موضوعیت ندارند و معمولاً هیچ رابطه‌ای میان مرتکبین جرایم تروریستی و قربانیان آن‌ها وجود ندارد؛ شاخصه‌ای که قابلیت پیشگیری^۱ از حملات تروریستی را بسیار سخت می‌کند.

برای نمونه، آخرین اقدام‌های تروریستی در ایران، حمله‌ی عمال داعش به زائران حرم شاه‌چراغ در سال‌های ۱۴۰۱ و ۱۴۰۲ بود که به شهادت ۱۵ نفر و زخمی شدن بیش از ۴۰ نفر انجامید. افزون بر آن در آستانه برگزاری چهارمین سالگرد شهادت سردار سلیمانی در دی‌ماه ۱۴۰۲ انفجارهایی توسط عوامل داعش رقم خورد که منجر به شهادت و مجروح شدن صدها تن از هم‌وطنان عزیز کشورمان شد؛^۲ بر این اساس، متولیان سیاست جنایی با افزایش استفاده از راهبردهای تدافعی به میزانی از تدابیر پیشگیرانه‌ی جامعه‌مدار می‌کاهند و تدابیر نظارتی افزایش می‌یابد.

۲-۱. پاسخ‌گذاری کنشی امنیت‌مدار

اگرچه یافته‌ها و دستاوردهای جرم‌شناسی نیز در حوزه پیشگیری در چارچوب و با تکیه بر موازین حقوق بشر وارد سیاست جنایی به مفهوم موسع می‌شود، اما دولت‌های مردم‌سالار نیز

1. Preventability

2. www.Irna.ir



در وضعیتی که شهروندان، به دلیل افزایش جرایم تروریستی، دچار رعب و وحشت می‌شوند و این امر با گزینش‌گری اخبار جنایی توسط رسانه‌ها تشدید می‌شود، تحدید برخی از آزادی‌های بنیادین افراد جامعه را با مطالبه‌ی امنیت توسط آن‌ها رقم می‌زنند و با افزایش روزافزون اختیارات ضابطان خاص و عام و کاهش نظارت مقامات قضایی موجب واگرایی در نظام قضایی و تمرکزگرایی بر پلیس و نهادهای امنیتی در سیاست جنایی می‌شوند.

انسانیت‌زدایی از بزه‌کاران تروریست در پرتو اتخاذ سیاست دشمن‌مدار بر مبنای خطرناکی را در قبال آن‌ها قابل آن‌ها قابل توجیه می‌داند؛ تفکر اصلی آن است که آن‌ها با ارتکاب جرم رابطه‌ی اخلاقی و پیوند عاطفی با جامعه را از بین برده‌اند؛ به‌ویژه که ارتکاب جرایم تروریستی مستلزم وجود یک روحیه خشونت‌بار است (شاهیده، ۱۴۰۲، ص ۱۵۶). بدون تردید، ریزومیک شدن جرایم و پیدایش سازمان‌های مجرمانه که بر مبنای ارتکاب جرائمی همچون قاچاق مواد مخدر، اسلحه و انسان، دزدی دریایی، برده‌داری، پول‌شویی و ... شکل گرفته و با قدرت روزافزون، مرزهای کشورهای مختلف را درنوردیده‌اند و قلمرو فعالیت فراملی را برای خود تعیین می‌کنند، خسارت‌های انسانی و اقتصادی جبران‌ناپذیری را بر پیکره‌ی دولت‌ها و مردم وارد ساخته است.

این مهم در کنار قلمروزدایی و به هم‌پیوستگی دنیای امروز با پدیده‌های جهانی‌شدن، شرایط مطلوبی را برای بزه‌کاران فراهم کرده است تا به‌عنوان تهدیدی جدید برای امنیت بشری محسوب شوند (دارابی، ۱۴۰۳، ص ۶۳). شاخصه‌ای که پاسخ‌های اقتدارگرا و تأمین امنیت جوامع را با ترجیح امنیتی شدن جامعه و توجیه اقدامات کنترلی که به تضییق دامن‌های آزادی‌های فردی می‌انجامد، در اولویت راهبرد پیشگیرانه‌ی متولیان سیاست جنایی قرار می‌دهد. بدون تردید برای مقابله با جرایم سازمانی و جرایمی که جهانی شده‌اند، اتخاذ پاسخ‌های جهانی ضروری است. به نظر می‌رسد کنوانسیون سال ۲۰۰۰ سازمان ملل متحد، علیه بزهکاری سازمان‌یافته فراملی (موسوم به کنوانسیون پالرمو ۲۰۰۰) تدابیر مناسب تدافعی - وضعی را پیش‌بینی کرده است. آن‌چنان که اکثر کشورها هم‌سو با جامعه جهانی از تصمیمات بین‌المللی در راستای پیشگیری از این جرایم استقبال کردند و با امعان نظر به تدابیر مطروحه در کنوانسیون، ترجیح ریسک جرم با تأکید بر منفعت‌مداری و سودجویی مجرمان در این طیف از جرائم و بهره‌مندی از یافته‌های نظریه‌ی انتخاب عقلایی به‌عنوان یکی از مبانی بهره‌مندی حداکثری از گونه‌ی پیشگیری وضعی، تدابیر موقعیت‌مدار را لحاظ نموده‌اند.

بدین ترتیب، دل‌نگرانی دولت‌ها برای تأمین امنیت شهروندان و قربانیان بالقوه بزهکاری، محور مطالعاتی بعضی جرم‌شناسان نیز متأثر کرده و آنان را به سمت مطالعات امنیت شناختی سوق داده است، چندان که مطالعات جرم‌شناختی به مطالعات امنیت با تکیه بر برنامه‌ها و



اقدام‌های کنشگران پلیسی- امنیتی منتقل شده است. این تغییر رویکرد، آرایش و جهت‌گیری‌های سیاست جنایی را نیز تحت شعاع خود قرار داده است، چندان که تضمین امنیت حقوقی- قضایی یعنی رعایت حقوق و آزادی‌های شهروندان و حقوق مظنون، متهم و مجرم تحت‌الشعاع تضمینی امنیت جسمانی و مالی شهروندان و نظم عمومی (حقوق کیفری امنیت مدار) قرار گرفته و پیشگیری اجتماعی از بزهکاری به تدریج جای خود را به (جرم‌شناسی امنیت‌مدار) و پیشگیری محدودکننده وضعی - فنی - فناورانه از جرم می‌دهد (نجفی ابرندآبادی، ۱۳۹۱، ص ۱۶).

برای نمونه، کشف پیکر دو دختر جوان در آگوست ۱۹۹۶ ضربه شدید و شوک وسیعی را به مردم بلژیک وارد ساخت؛ متعاقب نگرانی‌های عمومی برای آگاهی از آنچه که فضاقت یک قاتل سریالی به نام مارک دوترو^۱ اتفاق افتاده بود، قدرت و موقعیت وزیر دادگستری دولت که از حزب دموکراتیک مسیحی فلاندری^۲ بود قوت بیشتری گرفت، او اکنون قادر بود فشار بیشتری از طریق اصلاح سیستم قضایی و نظام عدالت کیفری به عمل آورد؛ این رویدادها به این معنا بود که وزیر کشور بلژیک به‌خوبی اطلاع داشت که مجموعه حمایت‌های مادی برای سیاست‌های پیشگیرانه از جرم و تأمین امنیت در قالب طرح‌های طولانی پیشگیری اجتماعی با شدت و حدتی که در سال ۱۹۹۲ آغاز شده بود، ادامه نخواهد یافت؛ زیرا مجدداً رویکرد واکنش کیفری و تأکید بر سزاگرایی مجرمین تغلیب می‌یافت؛ بر این ابتدا در انتخابات زودرس ۱۹۹۹ رویکرد سخت‌گیری در برابر جرم و مجرم‌ان، توسط حزب راست افراطی ولامس بلانگ^۳ مورد حمایت قرار گرفت و توجه مردم را به خود جلب کرد، به دنبال این شرایط حزب لیبرال دموکراتیک فلاندری در جهت تلاش برای خارج کردن انتخابات از انحصار حزب راست افراطی، موضع خود را به‌عنوان مدافع رویکرد امنیتی شدن جامعه و کیفرگرایی نسبت به بزهکاری اعلام نمود (هبرشت، ۱۳۹۵، ص ۲۱۶). بدین‌سان، تحولات حاکمیتی در دولت‌ها و به قدرت رسیدن احزابی که قبض و بسط احتمالی، نسبت به پاسخ‌گذاری کنشی امنیت‌مدار در برابر بزهکاری دارند در شکل‌گیری ساختار سیاست جنایی و اتخاذ تدابیر تحدیدگر اهمیت می‌یابد.

1. Marc Dutroux

۲. فلاندری، نام گروهی از گویش‌های زبان‌های منطقه‌ای در مناطق هلندی‌زبان کشورهای هلند، بلژیک و فرانسه است. حدود یک و نیم میلیون نفر در استان فلاندری غربی بلژیک به این زبان سخن می‌گویند.

www.danaedhnameh.roshad.ir
3. Vlaams Belang

۲-۲. پاسخ گذاری کنشی توان گیر

پاسخ گذاری کنشی توان گیر به دنبال خشکانیدن ریشه های جرم در درون بزهکاران بالقوه نیست و تلاش برای اصلاح دائمی آنها را در تدابیر و طرح های خود ندارد، بلکه صرفاً با پایش، نظارت، مراقبت، کنترل و ... به دنبال سلب توان بزهکار و ایجاد مانع در مسیر جرم است. این امر همان وجه ممیزه ی پیشگیری موقعیت مدار از پیشگیری فردمدار یا اجتماعی است که موجب انسانی تر بودن پیشگیری اجتماعی از پیشگیری موقعیت مدار می شود.

روشن است، پیشگیری وضعی به علت شناسی جرم و مطالعه ی عوامل بزهکاری از منظر مشکلات اجتماعی، اقتصادی توجهی نداشته و صرفاً به دنبال اتخاذ اقداماتی است که در تصمیم بزهکاران بالقوه تأثیر گذاشته و در شرایط مادی و فیزیکی ما قبل ارتکاب جرم مؤثر واقع شود. از سویی این تدابیر نتیجه ای مقطعی داشته و استفاده از ابزارهای لازم پیشگیری برای همگان مستلزم برخورداری عموم جامعه از تمکن مالی نسبتاً مطلوب بوده که این امر عملاً مقدور نیست، ضمن اینکه پدیده جابه جایی بزهکاری در زمان و مکان دیگر به عنوان یکی از ایرادات جدی، در خصوص اقشار مستمند جامعه نیز محقق شده و مجرمین را به اهداف فاقد تجهیزات و افراد فقیر هدایت می کند و از سوی دیگر اگرچه پیشگیری وضعی از گونه های کنشی پیشگیری است، اما تبعاً به موجب توسعه ی شبکه ی نظارتی و افزایش محدودیت ها، با کاهش برخی حقوق و آزادی های شهروندان همراه خواهد بود.

معمولاً جهت مقابله با کهنه شدن تجهیزات پیشگیرانه یا جلوتر بودن مجرمین از تدابیر متولیان پیشگیری وضعی - فناورانه با شرایط و مقتضیات جامعه و جرایم حرکت کرده و به نحو مستمر روزآمد می شود و معمولاً استفاده از وجه غالب این گونه ی پیشگیری در دنیای مجازی، استفاده از دوربین ها و تلویزیون های مدار بسته، برچسب های الکترونیکی، حس گر ها و ... است. با توسعه ی پاسخ گذاری کنشی توان گیر در سیاست جنایی، مقامات حکومتی و متولیان عرصه ی پیشگیری از جرم می کوشند تا مبنای سیاست های خود را بر اساس استدلال های عقلی و مبانی منطقی بنا نهند تا از این طریق نسبت به پیش بینی و شناسایی بزهکاران و استفاده از تکنیک های مدیریت و کنترل ریسک جرم دست یازند.

بدیهی است، منظور از مدیریت ریسک جرم، تمرکز روی مجرمین و حالت خطرناکی است که می تواند بر اساس سنجه ها و معیارهای مد نظر جرم شناسان در احصاء، طبقه بندی یا کنترل ایشان مد نظر قرار گیرد؛ در واقع هدف اصلی از اتخاذ رویکرد مهار مجرم از طریق پیش بینی و تخمین احتمال ارتکاب جرم بر اساس داده ها و محاسبات تخصصی است. امری که در مدیریت غیرکیفری اشخاص یا موقعیت های ریسک مدار ظهور داشته و با طراحی جزئیات جغرافیایی، نیم رخ جنایی اشخاص و ساختار فیزیکی و اجتماعی مناطق مورد نظر، سعی در





مهار بزهکاری دارد؛ بنابراین شخص و یا موقعیتی که امر نامطلوب (جرم) را پدید می‌آورد، مد نظر است (پاک‌نهاد، ۱۳۹۴، ص ۳۲). لذا، ارزیابی کارایی طرح‌ها و اقدامات مختلف پیشگیرانه‌ی دولت‌مردان، دستیابی به نتایج ملموس و مشهود جهت اعلام بیان کار به شهروندان و تثبیت موقعیت آن‌ها امری است که دستیابی به امنیت پایدار و موفق جلوه دادن سیاست جنایی را از طریق اقدامات بازدارنده و منصرف کننده‌ی ناظر به کاهش عوامل گذار از اندیشه به عمل، خواه از طریق شکل‌گیری جامعه‌ی امنیتی یا پاسخ‌های تدافعی^۱ توان‌گیر خواه، به‌واسطه‌ی مداخله در فرایند ارتکاب جرم یا تقویت سیل جرم و بزه‌دیدگان بالقوه، محقق می‌سازد.

بنابراین، از آنجا که تغییر و تحول در شخصیت افراد تابع تدریج بوده و فرایند آموزش مهارت‌های اجتماعی، درونی‌سازی هنجارها و قانون‌مدار نمودن شهروندان در بستر زمانی مطلوبی رقم می‌خورد، گونه‌های پیشگیری کنشی اجتماعی که سعی در بهبود و اصلاح رفتار افراد جامعه از طریق سازوکارهای مخصوص به خود را دارد، مدلی صعب و فرسایشی محسوب شده که پاسخ‌گوی تکرر جرایم و مطالبات مردم جوامع امروزی در جهت عینیت یافتن تدابیر توان‌افزای پیشگیرانه نمی‌باشد. امری که کنترل بر فرصت‌ها را نسبت به اخلاق‌مداری شهروندان و تقویت کنترل‌های درونی شده مبنی بر پرورش شخصیت فردی، وجدان و خودآگاهی مرجح می‌پندارد.

کنترل بزهکاران از طریق ابزارهای الکترونیکی و دوربین‌های مداربسته، ایجاد شبکه‌های تلفنی استراق سمع، بررسی و شنود داده‌های فضای سایبری، پایش شبکه‌های اجتماعی و ...^۱ مواردی است که می‌تواند برخلاف اصل دوم، تعرض به حریم خصوصی را به همراه داشته

۱. در این زمینه اظهارات ادوارد اسنودن پیمانکار سابق آژانس امنیت ملی آمریکا (NSA) و کارمند سابق سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) مبین آن است که آمریکا برای رهگیری ارتباطات دیجیتال توسط میلیون‌ها کاربر اینترنت و تلفن در سراسر دنیا از شرکت‌های مخابراتی و کمپانی‌های یاهو، گوگل و ... اطلاعات جمع‌آوری کرده است. این اطلاعات عبارت‌اند از شماره تلفن، آدرس‌های اینترنتی، سایت‌های موردعلاقه‌ی افراد، مکالمات تلفنی و محتویات ایمیل‌ها؛ به‌عنوان مثال یاهو برای حفاظت از داده‌های کاربران و شفاف‌سازی پیرامون تلاش‌های آمریکا در جهت نقض حریم خصوصی، اعلام کرد که بین ۱۲ تا ۱۳ هزار درخواست از این کشور برای تحویل اطلاعات شهروندان و کاربران سرویس‌های این کمپانی دریافت کرده است. همچنین این شرکت به تبعیت از گوگل، مایکروسافت و تویتر تصمیم گرفته از این پس هر ۶ ماه یک‌بار (گزارش شفافیت) خود را پیرامون درخواست‌های دولت‌های جهان برای کسب اطلاعات خصوصی شهروندان منتشر کند تا با این کار میزان همکاری خود با سیستم تجسس دولت‌ها را در اختیار عموم قرار دهد. این در حالی است که کیت الکساندر مدیر سازمان امنیت ملی آمریکا (NSA) ضمن دفاع از برنامه‌های جاسوسی کشورش، ابراز داشته است که جمع‌آوری اطلاعات به آنها کمک کرده تا حداقل ۵۰ حمله تروریستی را در ۱۲ سال گذشته در ۱۲۰ کشور جهان از جمله در بورس اوراق بهادار نیویورک خنثی کند (www.isna.ir). «در این زمینه رجوع کنید به گزارش ایسنا با عنوان «افشای‌های جدید اسنودن درباره جاسوسی آمریکا» (۱۴۰۲، ۲۵ اسفند) در آدرس <https://www.isna.ir/news> (تاریخ بازیابی: ۲۵ خرداد ۱۴۰۵).



باشد. تعارضی که با استناد به پیشگیری از جرایم علیه امنیت ملی، حفظ نظم و اقتدار عمومی مرتفع می‌شود.

برای مثال، در قانون ارتقای امنیت داخلی و مبارزه با تروریسم فرانسه مصوب سال ۲۰۱۷^۱ که با گذشت ۷۱۹ روز از حالت فوق‌العاده در این کشور تصویب شد، قانون‌گذار اختیارات وسیعی را برای پلیس و نیروهای امنیتی این کشور در پرتو تدابیر پیشگیرانه‌ی ریسک‌مدار و پیش روی در حقوق و آزادی‌های فردی در نظر گرفته است. بر این اساس، قانون ضد تروریسم مذکور به نیروهای پلیس و امنیتی این اختیار را داده است که نسبت به بازداشت بدون اتهام مظنونین^۲ به جرایم تروریستی اقدام کنند یا اماکن و نهادهای مذهبی را در صورت ترویج افکار افراطی، بدون نیاز به مجوز قضایی تعطیل کنند. به موجب این قانون دولت اجازه می‌یابد که مجوز محدود کردن افراد را در شهرهای محل زندگی‌شان صادر کند؛ همچنان که نیروهای پلیس می‌توانند بدون مجوز دادگاه، افراد مظنون را بازرسی کرده و خودروها را تفتیش و هرجا که لازم دیدند، ایستگاه‌های بازرسی موقت دایر کنند (دارابی، ۱۴۰۳، ص ۶۱). افزون بر این، مظنونین جرایم تروریستی با حصر خانگی روبه‌رو خواهند شد و مأموران امنیتی مجوز ورود به محل زندگی و کار آن‌ها را خواهند داشت. بر این اساس، شنود مکالمات، ارتباط الکترونیکی، تجسس از اموال عمومی، بررسی ایمیل‌ها، توقیف گذرنامه و کارت شناسایی افرادی که ظن پیوستن آن‌ها به گروه‌های تروریستی وجود دارد، مجوز قانونی می‌یابد. همچنین پلیس مجوز خواهد داشت، از مسافران کارت شناسایی خواسته و در فاصله‌ی ۲۰ کیلومتری مرزهای فرانسه و همچنین بنادر، مناطق مرزی، ایستگاه‌های قطار و فرودگاه‌ها و آن‌ها را تفتیش و بازرسی کند؛ علاوه بر این‌ها، نصب دوربین‌های مداربسته برای کنترل اماکن عمومی و تقویت امنیت فرانسه نیز تأکید شده است ((دارابی، ۱۴۰۳، ص ۶۱)، لذا اگرچه حاکمان نمی‌توانند به توسعه‌ی گونه‌های پیشگیرانه‌ای اقدام نمایند که نظارت و پایش شهروندان را بدون در نظر داشتن حریم خصوصی و آزادی‌های فردی رقم زده و فضای کنترل شده را گسترش دهند، اما واقعیت جامعه‌ی جهانی و اجتناب‌ناپذیر بودن ترکیب قدرت‌سالاری و آزادی‌مداری در مدل‌های سیاست جنایی زمینه را برای اتخاذ راهبرد ترکیبی پاسخ‌گذاری کنشی دولت‌ها فراهم می‌سازد.

اگرچه، متولیان سیاست جنایی جهت تعامل بیشتر با جامعه‌ی بین‌المللی و متصف شدن به وصف دموکراتیک، سعی می‌کنند حق‌های بشری را در طرح‌های تلفیقی پیشگیرانه یا اصلاح راهبرد پیشگیری از جرم خود تدوین نموده و تعقیب یا محاکمه‌ی بزهکاران را نیز در عین حفظ و رعایت کرامت و حیثیت ایشان دنبال کنند.

1. Strengthening internal security and the fight against terrorism Act 2107

2. Detention without charge

نتیجه گیری

بهره‌مندی همزمان از پاسخ‌های کنشی ترکیبی مردم‌گرا - اقتدارگرا در سیاست جنایی، اتخاذ رویکردی هدفمند با توجه به پیامدهای متنوع بزهکاری است. دستاوردهای مطالعات جرم‌شناختی که در برخی موارد از ترکیب دو یا چند نظریه‌ی جرم‌شناسی در علت‌شناسی و پیشگیری از بزهکاری محقق می‌شود، موجب می‌شود تا پاسخ‌گذاری در عرصه‌ی ملی و بین‌المللی با الهام از گفتمان و جهت‌گیرهای اسناد، راهبردها و تدابیر متنوع، توصیه و اتخاذ شود.

بر این ابتناء، در راستای مرتفع نمودن کاستی‌های هر مدل و یا حسب مورد افزایش یا کاهش قدرت سالاری یا آزادی‌مداری واقع‌بینانه در آن نسبت به تأمین امنیت جامعه با تأثیر از بافت سیاسی حاکم بر آن اقدام می‌شود. آن‌چنان که می‌تواند با بهره‌مندی بیشینه‌ای از مدل مردم‌سالار و یا با ترکیب مدل‌های دولتی، تفوق نهادهای قوه‌ی مجریه در شبکه‌های پلیسی و امنیتی همراه بوده و مشروعیت بخشی به حذف بزهکار، صلاحیت‌زدایی، ناتوان‌سازی، توسعه‌ی کیفرهای بدنی و سرکوبی را تسهیل و تسریع نماید.

بنابراین، سیاست جنایی با تأثیرپذیری از مدل‌های مرجع می‌تواند حسب مورد نوسانی از قبض و بسط‌های انگاره‌های آزادی، برابری و قدرت را همزمان در برگرد و متغیرهای متعدد موجد جرم منجر به ترکیب متغیرهای مختلف در هنجارگذاری و پاسخ‌گذاری طیف وسیعی از اقدامات گوناگون در سیاست جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی می‌شود؛ از این‌رو امروزه، تنوع پاسخ‌گذاری در سیاست جنایی با تأثیرپذیری از مردم‌سالاری، سرمایه‌ی اجتماعی را گسترش کش جمعی می‌داند و ترکیب متغیرها و استفاده از ظرفیت‌های قوای سه‌گانه را در گسترش فضای مانور شهروندان، قضازدایی با توسعه‌ی مراجع پاسخ‌دهی، تحدید مداخله‌ی جامعه‌ی دولتی به نفع جامعه‌ی مدنی، کاهش تصدی‌گری و استفاده از مشارکت جامعه در مدیریت بهینه‌ی کشور می‌داند.

در حوزه‌ی تدابیر کنشی نیز تأکید بر تدابیر کنشی جامعه‌مدار و تمرکز بر نظام آموزش و پرورش مطلوب برجسته می‌نماید بدین ترتیب، ترکیب هوشمندانه‌ی گونه‌های پیشگیری به همراه ضمانت اجرای بدیل اداری - انتظامی، کیفری، آیین‌های مختلف رسیدگی در رویکردهای ترمیمی و جبران خسارت مدنی، تلاش در راستای بازپذیرسازی خواهد بود و تلاش راهبرد مردم‌سالاری به دنبال دگرگونی نظام هنجارگذاری و کنترل دولتی به کنترل جامعوی است؛ بنابراین، تسلیح سیاست جنایی با تفوق آزادی‌مداری، منجر به تجهیز بخش‌های مختلف، تلفیق اهداف متعدد به منظور پاسخ‌گو کردن بزهکاران جهت اصلاح و ترمیم صدمات حاصل از جرم و توسعه‌ی ضمانت اجرای اداری، غیر قهرآمیز است.





در مقابل؛ اقتدارگرایی و توان‌مداری دولتی، شرایط تشبیه هرگونه انحراف به بزه را برای قاضی و اتخاذ پاسخ‌های سلبی و دفعی فراهم می‌سازد. شکل‌گیری احتمالی جامعه‌ی مدنی و سازمان‌های غیررسمی و فرعی، ابزاری برای ایجاد انقیادِ تردیدناپذیر سیاسی، اجتماعی، اقتصادی شهروندان است که بر این اساس، نفع عمومی و مصلحت همگانی توسط حکومت تعریف می‌شود. لذا امنیت مداری، بهره‌مندی از گونه‌های پیشگیری از جرم دولتی و توان‌گیر حتی تا کنترل اخلاق خصوصی شهروندان و در عرصه تدابیر واکنشی و توسعه گستره‌ی حقوق کیفری از طریق بزه‌انگاری‌های موسع و تقویت شبکه‌های دولتی سیاست جنایی با رسالت سزاگرایی و سرکوبگری همراه خواهد بود.

منابع

- ابراهیمی، شهرام. (۱۴۰۲). جرم‌شناسی پیشگیری. چاپ هفتم. بنیاد حقوقی میزان.
- ابراهیمی، شهرام. (۱۴۰۳). کنشگران سیاست جنایی؛ مطالعه موردی سیاست جنایی فرانسه. پژوهشنامه حقوق کیفری، ۱۵(۲)، ۷-۲۵.
- https://jol.guilan.ac.ir/article_8154.html
- ابراهیمی، شهرام. (۱۴۰۴). چهاردهمین کنگره پیشگیری از جرم و عدالت کیفری سازمان ملل: راهبردهای علمی، مشارکت جوانان و چالش‌های نوین پیشگیری از بزهکاری. پژوهش‌های جرم‌شناسی کاربردی، ۳(۷)، ۱-۱۴.
- https://qacr.ir/article_718204.html
- پاک‌نهاد، امیر. (۱۳۹۴). سیاست جنایی ریسک مدار. چاپ دوم. بنیاد حقوقی میزان.
- جمشیدی، علیرضا. (۱۳۹۵). سیاست جنایی مشارکتی. چاپ دوم. بنیاد حقوقی میزان.
- حاجی ده آبادی، محمدعلی. (۱۴۰۳). جامعه‌شناسی جنایی. چاپ نهم. نشرالمصطفی (ص).
- دارابی، شهرداد. (۱۴۰۳). پیشگیری از جرم در مدل مردم‌سالار سیاست جنایی. چاپ سوم. بنیاد حقوقی میزان.
- دارابی، شهرداد. (۱۴۰۴). مدل ترکیبی سیاست جنایی. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.
- شاهیده، فرهاد. (۱۴۰۲). سیاست‌گذاری جنایی در برابر تروریسم. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.
- شاو، مارگارت. (۱۳۹۴). الگوهای بین‌المللی پیشگیری از جرم. شهرداد دارابی، مترجم. مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۰(۳۴)، ۱۶۵-۱۹۲.
- http://cps.jrl.police.ir/article_13649.html
- شیر، عباس. (۱۳۹۷). سیاست‌گذاری جنایی از کنترل درونی تا کنترل بیرونی جرم. سیاست‌گذاری عمومی، ۴(۳)، ۱۰۳-۱۲۱.
- https://jppolicy.ut.ac.ir/article_68429.html
- میرخلیلی، سید محمود. (۱۴۰۳). جرم‌شناسی. چاپ پنجم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۴). به‌سوی یک سیاست ملی پیشگیری از بزهکاری. در: دانشنامه پیشگیری از جرم آکسفورد. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۶). پیشگیری عادلانه از جرم. در: علوم جنایی. مجموعه مقالات در تحلیل از استاد دکتر محمد آشوری. چاپ هفتم. سمت.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین، و هاشم بیگی، حمید. (۱۴۰۱). دانشنامه جرم‌شناسی. چاپ ششم. گنج دانش.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین. (۱۳۹۱). درباره امنیت شناسی (از حق بر امنیت تا حق بر تأمین) در: رضوانی، سودابه. مدیریت انسان‌مدار ریسک جرم. چاپ اول. بنیاد حقوقی میزان.
- نیاز پور، امیرحسین. (۱۴۰۰). پیشگیری از جرم. چاپ اول. دادگستر.
- نیاز پور، امیر حسن. (۱۳۹۳). اساسی‌سازی حقوق پیشگیری از جرم در ایران. پژوهش حقوق کیفری، ۲(۶)، ۹۱-۱۱۱.
- https://jclr.atu.ac.ir/article_662.html



- وایت، رابرت، و هینز، فیونا. (۱۴۰۴). جرم و جرم شناسی (علی سلیمی، مترجم). چاپ چهاردهم. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- هبرشت، پاتریک. (۱۳۹۵). پیشگیری از جرم در دولت فدرال بلژیک، از سیاست سوسیال دموکراتیک به سوی سیاست نئولیبرال و اقتدارگرا در یک جامعه دموکراتیک (شهرداد دارابی، مترجم). مطالعات پیشگیری از جرم، ۱۱(۴۰)، ۲۰۱-۲۳۵.

http://cps.jrl.police.ir/article_13691.html

- Van Dijk, J. J. M., & Deward, J. (2009). Forty years of crime prevention in the Dutch polder. In A. Crawford (Ed.), *Crime prevention policies in comparative perspective*. Publisher.
- Velasquez, E. (2008). Governance of security in the light of the experience of Bogotá [Report].
- Welsh, B. C., & Farrington, D. P. (2012). The science and politics of crime prevention: Toward a new crime policy. In B. C. Welsh & D. P. Farrington (Eds.), *The Oxford handbook of crime prevention*. Oxford University Press.
- Lab, P. Steven. (2014). crime prevention; Approaches, practices and evaluations, Anderson publishing.
- Lab, S. P. (2014). *Crime prevention: Approaches, practices, and evaluations*. Anderson Publishing.

